



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۵	تاریخ	۱۴۰۱/۰۹/۰۷
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	حدود حجیت سیره				
عنوان ۵	سیره متشرعه				
عنوان ۶	احکام وضعی - احکام تکلیفی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث ما در حدود حجیت سیره بود به این معنا که اگر سیره حجیت شد، در چه حدی می تواند کاشف از حکم شرعی باشد و حجیت آن در کشف از حکم شرعی در چه حدودی است. در این خصوص اجمالاً گفتیم اگر بنای عقلایی ای که در پس سیره وجود دارد - یا همان نکته سیره - معلوم بود، طبق همان نکته، سبب و بنای عقلایی که در پس آن سیره وجود دارد، امضاء ثابت می شود و اگر بناء عقلایی پشت آن سیره مجمل بود و یا معلوم نبود، به بیش از قدر متیقن نمی توان اخذ نمود.

سیره متشرعه

بحث امروز در سیره متشرعه است که ببینیم با سیره متشرعه چطور و در چه حدودی می توان حکم شرعی را اثبات نمود. در سیره متشرعه نیز در دو بخش تکلیفیات و وضعیات به بحث می پردازیم.

احکام وضعی

در وضعیات اگر سیره متشرعه بر تأثیر سبب بر مسبب قائم شد - مثلاً تأثیر معاطات، در نقل و انتقال یا تأثیر حیا زت در تملک -، آنجایی که نکته حکم وضعی مشخص است - که مثلاً سببیت است -، به این دلیل که سیره متشرعه کاشف از حکم شارع است، حجیت خواهد داشت و کاشف از حکم شرعی مبنی بر سببیت آن شیء برای آن اثر است و جای بحث زیادی ندارد و بحث ما در سیره متشرعه، در تکلیفیات است؛ زیرا در وضعیات اگر سیره متشرعه بر شیئی قائم شود، قائم بر سببیت^۱

۱. البته مراد سببیتی است که در امور اعتباریه قائل هستیم؛ نه آن سببیت تکوینیه.

است؛ یعنی قائم بر ترتب اثر وضعی بر فعل یا قولی است. بنابراین در احکام وضعیه هنگامی که سیره متشرعه قائم بر ترتب اثری باشد، به این معناست که شارع این ترتب اثر را قبول دارد؛ لذا در هنگامی که سیره متشرعه محرز شود، مشکلی در کاشفیت سیره متشرعه از سببیت سبب برای ترتب اثر وجود ندارد مگر اینکه سیره متشرعه، سیره‌ای باشد که نکته آن سیره برای ما مجمل باشد که در این صورت، به همان قدر متیقنی که سیره از آن کشف می‌کند اخذ می‌کنیم.

احکام تکلیفی

کشف از جواز بالمعنی الاعم

کشف سیره متشرعه از جواز بالمعنی الاعم نیز جای بحث ندارد؛ یعنی اگر سیره متشرعه‌ای قائم بر فعل یا قولی شد، قدر متیقنی که می‌توان از این سیره متشرعه اثبات نمود، جواز بالمعنی الاعم آن فعل است.

کشف از وجوب

گاهی نکته سیره متشرعه معلوم است؛ یعنی می‌دانیم که سیره متشرعه قائم بر وجوب الفعل است؛ به عبارت دیگر سیره متشرعه، همراه با ارتکاز مشرعه است؛ یعنی سیره بر چیزی قائم است که مرتکز متشرعی نیز در پس آن وجود دارد. در اینجا دیگر بنا وجود ندارد آنطور که که در سیره عقلاء گفتیم که نکته آن، بنای عقلایی است؛ در سیره متشرعه، برای متشرعین بنای مستقلی از بنای شارع وجود ندارد؛ بلکه در اینجا همان ارتکاز وجود دارد.

اگر سیره متشرعه قائم بر امری است و در ارتکاز متشرعه، این سیره، برخاسته از اعتقاد به وجوب است، چنین سیره متشرعه‌ای کشف از وجوب می‌کند و می‌توان با آن وجوب را اثبات نمود.

کشف از استحباب

گاهی سیره متشرعه‌ای بر فعلی قائم است؛ اما این سیره متشرعه، کاشف از یک ارتکاز مبنی بر وجوب آن فعل نیست؛ در چنین صورتی اگر سیره عقلاییه‌ای بر خلاف سیره متشرعه وجود داشت یا داعی قوی دیگری برخلاف سیره متشرعه وجود داشت. مثلاً فعلی است که در نظر عقلاء مصلحت است اما سیره عقلاء برخلاف آن است، چنین سیره‌ای که بر خلاف داعی قوی دیگر یا سیره عقلاییه است، کشف از مطلوبیت اجمالی و مطلوبیت مؤکده شرعی می‌کند. اما چنانچه داعی مخالفی در برابر این سیره متشرعه وجود نداشت، نمی‌توان بیش از جواز از این سیره متشرعه کشف نمود.

این خلاصه بحث در حجیت سیره بود. بحث بعدی، بحث از حجیت ظهور است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين